

فرهنگ کار و کارآفرینی و نقش آن در توسعه اقتصادی

محمد اسحاق مهدوی^۱

چکیده

فرایند تغییر و تحول مستمر و پرشتاب در آغاز هزاره سوم میلادی، از عمده‌ترین جریان‌های حاکم بر حیات بشری و از مهم‌ترین مشخصات بارز آن به شمار می‌رود. فرایند «خلاقیت»، «کار» و «کارآفرینی» که اساس و بستر ساز مناسب برای تغییر و تحول و دگرگونی جوامع به شمار می‌رود، نقش بنیادین و تعیین کننده‌ای را در توسعه اقتصادی و رفاه آن‌ها ایفا می‌کند. از اینجاست که سؤال می‌شود چرا برخی از کشورها در دستیابی به توسعه اقتصادی موفق عمل کرده‌اند و برخی دیگر در این حوزه موفق نبوده‌اند؟ در این تحقیق به این پرسش پاسخ داده شده و نقش متغیرهای ذکر شده، در توسعه اقتصادی به عنوان یک فرهنگ، مورد توجه قرار گرفته است. فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از «ارزش‌ها»، «باورها»، «اندیشه‌ها»، «آداب» و «عقائد» که بر یک جامعه حاکم است، می‌تواند نظام فکری آن جامعه را تشکیل دهد. همچنین افراد با «فرهنگ»، «تجارب»، «تصورات» و «عقاید» خود را با یکدیگر مبادله کرده و در عمل شیوه زندگی خود را ترسیم می‌کنند. یکی از مباحث جدی در حوزه خلاقیت، کار و کارآفرینی «فرهنگ کار و کارآفرینی» است که در پیشرفت (توسعه) و یا پسرفت (عدم توسعه) یک جامعه نقش اساسی و بنیادین را ایفا می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تا زمانی که «کار» و «کارآفرینی» در یک جامعه به یک «فرهنگ» تبدیل نگردد، نمی‌تواند در توسعه و پیشرفت جامعه مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، کار، کارآفرینی، توسعه و توسعه اقتصادی.

۱. گروه اقتصاد، مؤسسه علوم انسانی، جامعة المصطفی (ص) العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

بدون شک، اگر فرهنگ «کار» و «کارآفرینی» در هر جامعه‌ای نهادینه نگردد، آن جامعه به پیشرفت‌های متعددی که یکی از مظاهر آن «توسعه اقتصادی» است، دست نمی‌یابد و از طرف دیگر اگر فرهنگ «کار» و «کارآفرینی» در آن جامعه نهادینه گردد، آن جامعه به پیشرفت‌های متعدد دست می‌یابد و به موازات آن فقر، ناداری و عقب‌ماندگی را یکی پس از دیگری از بین خواهد برد. به همین دلیل است که در تمامی جوامع به کار و اشتغال و کارآفرینی بهای خاص داده و از این منظر می‌خواهد به توسعه و رفاه دست یابند. از سوی دیگر می‌دانیم که دین اسلام نیز به کار، کارآفرینی و اشتغال و ایجاد فرهنگ آن در جامعه اسلامی اهمیت فراوان داده و برای دستیابی به آن تأکید کرده است. در این مقاله تلاش شده است تا به بخش‌هایی از موضوع «نقش کار و کارآفرینی و فرهنگ آن در توسعه اقتصادی» از نگاه اقتصاد متعارف و اسلام پرداخته و مسائل مختلف مربوط به آن به صورت مختصر تحلیل و تبیین گردد.

۱. پیشینه بحث

واژه کارآفرینی، در ابتدا، پیش از آن که مفهوم کلی آن به زبان امروزی درآید، در زبان فرانسه ابداع شد. در اوایل سده شانزدهم میلادی کسانی را که در امر هدایت مأموریت‌های نظامی بودند، کارآفرین می‌خواندند. از حدود سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد، فرانسویان درباره پیمان‌کاران دولت که متصدی ساخت جاده، پل، بندر و تأسیسات بودند نیز لفظ کارآفرین را به کار بردند. در دوره‌های بعد؛ «کارآفرین» از دیگر بازیگران صحنه اقتصاد متمایز می‌شود؛ به‌طوری که کسی که سرمایه را تأمین می‌کند، با کسی که خطر می‌کند، متفاوت قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر، کسی که سود حاصل از سرمایه را تحصیل می‌کند با شخصی که سود حاصل از توانمندی‌های مدیریتی را دریافت می‌کند، متفاوت است.

در قرن بیستم، مفهوم «کارآفرینی» و «نوآوری» می‌تواند شامل هر چیزی جدیدی مانند محصول جدید، ایجاد یک سیستم توزیع جدید و یا حتی ایجاد یک ساختار سازمانی جدید برای انجام امور و کارها باشد که بتواند در توسعه و رشد اقتصادی، تأثیرگذار باشد. با توجه به پیشرفت جوامع و اهمیت کار و کارآفرینی در توسعه و رشد اقتصادی، افرادی مانند «پیترو

دراکر»، «هیسریچ»، «تراپ مان» و «مورنیک» هرکس به سهم خود در تعریف مفهوم کارآفرینی پرداخته‌اند. از نظر آنان و بسیاری از صاحب‌نظران دیگر «کارآفرین» را کسی می‌دانند که فعالیت‌های اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع و می‌بایست ارزش‌ها را تغییر دهد و ماهیت آن‌ها را دچار تحول سازد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۲).

در این میان از نظر اقتصاددانان، «کارآفرین» کسی است که منابع، نیروی کار، مواد و سایر دارایی‌ها را با هم ترکیب می‌کند تا ارزش آن‌ها را نسبت به قبل بیشتر و تحولات، نوآوری‌ها و نظم جدیدی را بنیان نهد (هیسریچ و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹). برخی از این اقتصاددانان مانند «تراپ مان و مورنیک استار» در دهه ۱۹۹۰ تأکید کرده است که «کارآفرین» فردی است که فرصت ارائه یک محصول، خدمات، روش و سیاست جدید با راه تفکری جدید برای حل یک مشکل قدیمی را می‌یابد و می‌خواهد تا تأثیر محصول یا خدمات جدید خود را بر نظام مشاهده کند.

بنابراین، واژه «کارآفرینی» بیش از دو قرن است که در ادبیات مدیریت و اقتصاد وارد شده و مانند سایر واژه‌ها تغییرات زیادی را به خود گرفته و از رشد تکاملی برخوردار بوده است. این مفهوم از پیچیدگی‌ها و تحولات گوناگون برخوردار است. هرچند نقش کار و کارآفرینی و فرهنگ آن در توسعه اقتصادی به صورت مقایسه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف پیشینه مشخص ندارد، ولی به صورت پراکنده در کتب و مقالات زیادی که از آن در بالا یاد شد، خالی از پیشینه هم نیست.

۲. مفاهیم

۲-۱. فرهنگ

چنانکه یادآوری گردید «فرهنگ» در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است که مهم‌ترین آن عبارت است از «ادب»، «تریت»، «دانش»، «معرفت»، «رسوم»، «آثار علمی و ادبی» و... که بر یک ملت حاکم است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۶: واژه فرهنگ). «فرهنگ» به عنوان راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسانی به مجموعه‌ای از «ارزش‌ها»، «باورها»، «اندیشه‌ها»، «آداب» و «رسوم» اطلاق می‌شود که «نظام فکری» یک جامعه را

تشکیل دهد و در بسیاری از مقوله‌های موجود در جامعه، تأثیرپذیر و تأثیرگذار است. در وهله اول می‌توان گفت که تمامی رفتارها، کنش‌ها و ایده‌ها از «فرهنگ» سرچشمه می‌گیرد و موضوعات و مقولات دیگر به‌عنوان خرده‌فرهنگ و زیرمجموعه آن به شمار می‌آید. ولی درنهایت به این نتیجه دست یافتیم که میان «کار»، «کارآفرینی» و «فرهنگ» روابط چندسویه وجود دارد که هرچند این روابط در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری با شدت و ضعف مواجه است. ممکن است که در برخی از مناطق، محل و یک کشور این تأثیرپذیری و نوع ارتباط با همدیگر متفاوت و متمایز باشد. ولی می‌توان با قاطعیت اذعان کرد که «کار» و «کارآفرینی» مهم‌ترین مسئله اجتماعی و فرآیندی انسانی است که با دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند محکمی و ناگسستگی دارد (جبل عاملی، ۱۳۸۸).

بنابراین، «فرهنگ» می‌تواند به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته در متمایز ساختن یک فرد از فرد دیگر، یک قوم از قوم دیگر، یک منطقه از منطقه دیگر و یک کشور از کشور دیگر به شمار آید. به این معنا که فرهنگ یک فرد از فرهنگ هر فرد دیگر، فرهنگ هر قوم از فرهنگ قوم دیگر، فرهنگ هر منطقه از فرهنگ هر منطقه دیگر و فرهنگ هر کشور از فرهنگ هر کشور دیگر معمولاً متمایز است.

۲-۲. کار

هرچند واژه «کار» در موضوعات مختلف، به معانی اختصاصی آن موضوع به کار گرفته شده است، ولی به‌طور عموم «کار» به هر فعالیت اقتصادی یا غیر اقتصادی که باعث تغییر در ارزش کالا یا ارائه یک خدمت می‌شود، اطلاق می‌گردد (<http://cdm.blogfa.com>). از سوی دیگر ممکن است، «ارزش یک کالا یا خدمت» در اثر فعالیت‌های مثبت یا منفی، «افزایش یا کاهش» یابد، اما در حال حاضر و در این نوشتار منظور از «کار» بیشتر فعالیت‌هایی است که باعث افزایش ارزش کالا یا ارائه یک خدمت می‌گردد؛ بنابراین، به هر «فعالیت اقتصادی» یا «فعالیت غیر اقتصادی» که باعث تغییر در ارزش کالا یا خدمت گردد «کار» اطلاق می‌شود. «کار اقتصادی» فعالیتی است که در اثر آن «ارزش کالا یا خدمت» افزایش یابد و «کار غیراقتصادی» فعالیتی است که در اثر آن «ارزش کالا یا خدمت» کاهش یابد.

۲-۳. کارآفرینی

در مورد کارآفرینی به نظر می‌رسد که هنوز تعریف کامل و جامعی از آن که مورد پذیرش همه‌ی صاحب‌نظران باشد، ارائه نشده است. برخی آن را به ویژگی‌های افراد تعریف کرده و هرکسی که ریسک در تقاضای بازار را بپذیرد، «کارآفرین» شناخته می‌شود (Randall G, 1999: pp28). به عبارت دیگر، «کارآفرین» کسی است که ریسک را می‌پذیرد و با کسی که تأمین‌کننده سرمایه است فرق می‌کنند. با این حساب می‌توان ادعا کرد که «کارآفرینی» یک علم است و همچون علوم دیگر می‌تواند آن را فرا گیرد (کوراتر و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

با این وجود، به نظر می‌رسد که هنوز تعریف کامل و جامعی برای «کارآفرینی» وجود ندارد. ولی می‌توان گفت که «کارآفرینی» یا همان «انترپرنش‌پ» به معنای تجمیع و هدایت منابع و تجهیزات توسط کارآفرینان با پذیرش ریسک‌ها و خطرات متنوع و متفاوت به منظور سازمان‌دهی تولید و اعمال شیوه‌های نوین و سودآور و مقابله با خطرات احتمالی در فعالیت‌های اقتصادی، ارزش ایجاد می‌کند و با کمترین هزینه، بیشترین درآمد و سودآوری را فراهم می‌سازد. (<https://www.iran-academy.org>). به عبارت دیگر، «کارآفرینی» استفاده از فرصت‌ها و پذیرفتن ریسک‌ها برای سودآوری و تأمین یک نیاز اجتماعی است. (هاشمی، ۱۴۰۰/۵/۱۷، مرکز آموزشی مدیریت کاربردی ایران). این مقوله در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان و فعالان اقتصادی بسیاری از دولت‌ها و حکومت‌ها قرار گرفته است.

بنابراین، «کارآفرینی» تلاش برای ایجاد یک ارزش از طریق شناخت «فرصت‌های شغلی»، «مدیریت»، «ریسک‌پذیری» و «استفاده از مهارت‌های مدیریت و ارتباطی» به منظور بسیج نمودن منابع انسانی، مالی و اداری به منظور به ثمر رسیدن یک پروژه یا خلق پدیده است.

۲-۴. توسعه اقتصادی

توسعه؛ واژه‌ای با کاربرد گسترده که تاکنون عنوان صدها کتاب، مقاله، پژوهش، همایش و گزارش قرار گرفته و برای بسیاری از کشورهای جهان سوم دستیابی به آن یکی از اهداف مهم و اساسی به شمار می‌آید. اگر بخواهیم این واژه را به طور دقیق درک کنیم نیازمند تعاریف

متعددی است که از این واژه شده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی توسعه که در تعاریف متعدد به آن اشاره شده است، «پیشرفت» یعنی تغییر از یک وضع بدتر به یک وضع بهتر، «تکامل» یعنی افزایش تمایز و تخصصی شدن و «نوسازی» یعنی مدرن شدن است که در بستر جوامع و با توجه به فرهنگ، آداب و... اتفاق می‌افتد (عیسوی، ۱۳۷۹: ۴۰).

در تعریف توسعه همانند دیگر اصطلاحات اقتصادی، اتفاق نظر وجود ندارد. تعریف هر صاحب‌نظری از توسعه به جهان‌بینی، نوع نگاه او به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه هدف یا اهدافی که در فرآیند توسعه مدنظر دارد، برمی‌گردد. از این رو، قبل از هر چیز باید به دیدگاه‌های گوناگون درباره «توسعه» و دستیابی به ریشه‌های لغوی توسعه توجه گردد و تا حدودی معنای مشترک از آن استخراج گردد.

«مایکل تودارو» توسعه را جریان چندبعدی دانسته و آن را مستلزم تغییرات اساسی در بافت اجتماعی می‌داند: «توسعه جریانی است چندبعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است.» (تودارو، ۱۳۷۷: ۲۳). با این حساب «توسعه اقتصادی» دارای تعاریفی متعددی است که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است.

۲-۵. انسان‌محوری در توسعه اقتصادی

چنانچه اشاره گردید «توسعه اقتصادی» جریان چندبعدی است که در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان قابل تطبیق است و توسعه صرفاً یک امری اقتصادی به شمار نمی‌آید؛ بلکه دارای کارکردهای وسیع و گوناگونی است که تنها یکی از آن‌ها رشد اقتصادی و افزایش ثروت مادی جامعه همراه با ارزش‌ها و فرهنگ‌ها است. با توجه به این نکته می‌توان برای تغییرات و تحولاتی که در «توسعه اقتصادی» شکل می‌گیرد چهار حالت زیر را تصویر کرد که از حالت‌های زیر یکی به صورت مستقیم «توسعه اقتصادی» به شمار می‌آید و حالت‌های دیگر به عنوان بستر «توسعه اقتصادی» قلمداد می‌گردد.

۱. تحول وضع اقتصادی بدون هیچ‌گونه بهبود در بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی؛

۲. تحول وضع اقتصادی در اثر بهبود بنیان‌های اقتصادی؛

۳. تحول وضع اقتصادی در اثر بهبود بنیان‌های اجتماعی؛

۴. تحول وضع اقتصادی در اثر بهبود بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۰).

در این چهار تحول حالت سوم «توسعه اجتماعی»، حالت دوم «توسعه اقتصادی صرف»، حالت اول یک رخداد اقتصادی و حالت چهارم «توسعه اقتصادی» مورد نظر است که در اثر بهبود بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی تحقق می‌یابد.

به همین دلیل بعد انسانی با محوریت انسان در بسیاری از تعاریف به صورت چشم‌گیر دیده شده است: «توسعه اقتصادی به صورت یک فرایند همراه با تحول و جهشی که متضمن رشد مداوم در شاخص‌های اقتصادی باشد، با محوریت انسان و استفاده درست و بهینه از منابع و تکنولوژی در جهت دستیابی به کمال شایسته مقام انسانی و تأمین رفاه مادی و معنوی وی در بستر جامعه، عمل می‌کند» (همان: ۱۲).

۲-۶. فرهنگ کارآفرینی

«کارآفرینان» به عنوان بخشی از جامعه پیرامون خود از «مجموعه‌های ارزشی، نگرش‌ها، هنجارها، رفتارهای متمایز» برخوردارند که می‌توان از آن به خرده فرهنگ یاد کرد (<https://fekreno.org>). بر اثر تأثیر متقابل حوزه‌های مختلف فرهنگ و اجتماع، «فرهنگ کارآفرینی» از حوزه‌های دیگر فرهنگ از جمله حوزه‌های مانند اخلاق، مذهب، ارزش‌ها، عقاید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد (<https://razservat.ir>). با این حساب می‌توان گفت: «فرهنگ کارآفرینی» متأثر از «فرهنگ جامعه» است. اگر جامعه‌ای کارکن و تلاشگر باشد، کارآفرینی نیز به عنوان یک فرهنگ خودنمایی می‌کند، اگر این جامعه کارکن و تلاشگر نباشد، کارآفرینی هم به عنوان یک نماد و یک فرهنگ نمی‌تواند هویدا گردد.

«کارآفرینی» با ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش‌زمینه‌ای اساسی برای ارتقای فرهنگ جامعه است. فرهنگ کارآفرینی متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است و در هر جامعه‌ای که افراد بیشتری به «اخلاقیات»، «نوآوری» و «کارآفرینی» دست بزنند، افراد کارآفرین بیشتری بروز می‌نمایند (احمدی، ۱۳۸۹: ۵-۶). بنابراین، «فرهنگ کارآفرینی» می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی و معادلات اساسی آن

نقش آفرین بوده و به عنوان موتور محرکه اقتصادی و توسعه اقتصادی به شمار آید (<https://razservat.ir>).

ازاین رو، ریشه‌های ضعف و قوت «فرهنگ کارآفرینی» باید در حضور و وجود ارزش‌ها و عقایدی جستجو شود که در فرهنگ و در سلسله‌مراتب ارزش‌ها جایگاهی فراتر از «کار» را به خود اختصاص داده و در تعارض و تقابل با کار و کارآفرینی است.

۳. تعامل بین فرهنگ، کار و کارآفرینی

با توجه به مطالب یادشده روشن گردید که میان «فرهنگ»، «کار» و «کارآفرینی» ارتباط خاص و تأثیرگذار حاکم است. به طور معمول «کار» و «کارآفرینی» اگرچه یک رویداد اقتصادی است اما متأثر از نظام ارزشی، نگرش‌ها و هنجارهای رفتاری افراد و گروه‌های انسانی به نام «فرهنگ» است (پیمان پور، ۱۳۹۵). ولی ممکن است در برخی از جوامع «فرهنگ» از «کار» و «کارآفرینی» نیز متأثر گردد؛ به عبارت دیگر میان «کار»، «کارآفرینی» و «فرهنگ» روابط متقابل وجود دارد و بسته به جوامع این روابط به صورت زیر ممکن است تحلیل گردد.

۱. نتایج کارآفرینی و فرایند آن می‌تواند بر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن تأثیرگذار باشند؛
۲. فرایند کارآفرینی و فرهنگ حاکم بر آن از مبانی فرهنگ جامعه متأثر است؛
۳. کارآفرینی و فرهنگ، می‌توانند در تحولات اساسی و بنیادین فعالیت‌های اقتصادی (کار) تأثیرگذار و تأثیرپذیر باشند؛
۴. نوآوری که از مشخصه‌های اساسی کارآفرینی است، منجر به تولید محصولات جدیدتر و ارائه خدمات مؤثر و متنوع‌تر و قدرت انتخاب افراد در جامعه می‌شود که با افزایش سطح رفاه، آسایش و اوقات فراغت، فرصت‌های بیشتری برای فعالیت‌های فرهنگی و کارآفرینی ایجاد می‌شود.

بنابراین؛ «کار» و «کارآفرینی» که از «فرهنگ حاکم بر جامعه» تأثیر می‌پذیرد، از همدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرد و میان «کار»، «کارآفرینی» و «فرهنگ» روابط چند سویه وجود دارد و گسترش فرهنگ کار و کارآفرینی، رهگشای بسیاری از مشکلات اقتصادی خواهد بود و

ارتباط آن با فرهنگ نوعی آمیختگی فرهنگ، هنر و اقتصاد در تولید، اشتغال و در نهایت تولید ملی خواهد بود.

فرهنگ کار و کارآفرینی در غرب و اسلام

کامیابی در دنیای در حال تحول امروز، از آن جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری را برقرار سازد و در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، حرکت روبه‌جلو و با شتابی داشته باشد تا با «ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی»، خود را به «دانش و مهارت کارآفرینی مولد» تجهیز کند. از سوی دیگر که امروزه کار و فعالیت‌های اقتصادی شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به‌سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، «کار»، «کارآفرینی» و «کارآفرینان» نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کنند.

بنابراین، فرهنگ «کار» و «کارآفرینی» که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی که هویت افراد کارآفرین را تشکیل می‌دهد، در «جوامع غربی» و «جوامع اسلامی» متفاوت است. زیرا، اصولاً نظام‌های اقتصادی غرب و اسلام با همدیگر در بسیاری از موضوعات همخوانی نداشته و در باورهای اقتصادی، اصول و مبانی، ارزش‌ها و نگرش‌ها و... از همدیگر متمایز می‌باشند (ایرانی، ۱۳۹۶).

با این حساب می‌توان گفت که روند توسعه اقتصادی کشورهای معمولاً غربی توسعه‌یافته، بیانگر این واقعیت است که «اقتصاد» تحت تأثیر «فرهنگ کار و کارآفرینی» قرار گرفته است و «کارآفرینان» در توسعه اقتصادی «نقش محوری» داشته و کشورهای اسلامی، اهمیت آن را در توسعه اقتصادی به‌خوبی درک نکرده‌اند. با این‌که برخی از اقتصاددانان، فرهنگ «کار» و «کارآفرینی» را از جمله عوامل اساسی و بنیادین در توسعه اقتصادی کشورهای مانند آمریکا، آلمان، کانادا، جاپان و... برشمرده و تأکید می‌کنند که این کشورها به‌منظور تقویت و حمایت «کارآفرینان» هزینه‌های هنگفتی را نیز اختصاص می‌دهند. این در حالی است که در فرهنگ اسلامی برای «کار» و «کارآفرینی» ارزش والایی قائل شده است و سعی و تلاش را تنها سرمایه انسانی دانسته و دستیابی به نعمت‌های خدادادی را تنها از طریق حرکت و کار

با توکل و ایمان بر خداوند لایزال ممکن می‌داند، پیامبر گرامی اسلام^(ص) می‌فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آن‌ها کسب روزی حلال است» (عاملی، ۱۴۱۴، ۱۷: ص ۲۴).

در «مکتب حیات‌بخش اسلام» خیر دنیا و آخرت در سایه کار و تلاش به‌عنوان یک فرهنگ عام تعریف می‌شود. شواهد عملی سیره ائمه معصومین^(ع) و دیگر بزرگان دین حاکی از آن است که «کار» و «کارآفرینی» در این مکتب از جایگاه ویژه برخوردار است. با این حساب می‌توان ادعا کرد که «مکتب حیات‌بخش اسلام» مسلمانان را به کسب‌وکار حلال تشویق و از بیکاری، تبلی، سستی برحذر می‌دارد. در این مکتب بیکاری و سربرار بودن دشمنی با خدا دانسته شده و به‌جای آن از کسب‌وکار و تجارت به‌عنوان یک «فرهنگ اقتصادی اسلامی» مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از آیات و روایات حاکی از آن است که با «استقرار فرهنگ کار و آفرینی»، «تلاش»، «تعهد»، «تخصص» و «مسئولیت‌پذیری» در جوامع اسلامی می‌تواند زمینه را برای فعالیت‌های صحیح اقتصادی، صداقت در تجارت، پرهیز از ربا و کم‌فروشی و دیگر مسائل مربوط به رفتار انسان مسلمان فراهم ساخته و می‌تواند این رفتارها در قالب «اعمال صالح» به حد اعلی ترقی و تعالی داده شود.

بنابراین؛ «نظام اقتصادی اسلام» به دنبال آن است که در «اصول و مبانی اقتصادی» و «سیاست‌های مالی» مستقل شده و از وابستگی به کشورهای دیگر رهایی یابد و اقتصاد اسلامی هموار در راستای رسیدن به اهداف میانی همچون اقتدار اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و فقرزدایی و ایجاد امنیت، حرکت و هیچ‌گاه از چارچوب ارزش‌های معنوی و اخلاقی خارج نمی‌شود (<https://fa.wikifeqh.ir>). با این‌که در دین اسلام به فعالیت‌های اقتصادی و تلاش و کوشش در کسب درآمد حلال و به‌خصوص «کارآفرینی»، تأکید فراوان شده، ولی کشورهای غرب در عمل از این کشورها در این زمینه‌ها جلوتر بوده و گام‌های مؤثرتری برای ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ «کارآفرینی» برداشته‌اند و می‌توان نمونه‌های موفقیت آن‌ها را در دهه‌های گذشته شاهد بود.

در نتیجه، لازم است که با الگوبرداری از آموزه‌های دینی، فرهنگی که اسلام بر آن تأکید دارد که همان فرهنگ کار و تلاش و پیگیری مستمر برای کسب روزی حلال است را در جامعه ارتقاء داده و نیروی کار جوان و منابع طبیعی و خدادادی این کشورها زمینه را برای ایجاد و

استحکام «کارآفرینی» فراهم سازیم. امید است با ارتقاء «فرهنگ کارآفرینی» در کشورهای اسلامی از جمله کشور ما افغانستان و فعال‌سازی جوانان در فعالیت‌های ملی و اسلامی، زمینه‌های مناسب برای سخت‌کوشی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری، احساس مسئولیت و تعهد در جامعه فرصت‌های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی فراهم شود تا از این طریق کشور اسلامی بتواند با سرعت و شتاب بیشتری به موفقیت و پیشرفت‌های اقتصادی و رقابت با دنیای غرب به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی طرح و تدارک آن را در چارچوب رعایت مسائل انسانی و اسلامی دست یابد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که «کار» و «کارآفرینی» در دین مبین اسلام از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان یک فرهنگ از آن یاد کرد. به همین دلیل است که خداوند متعال، وصول به مقصد و مقصود اعم از مادی، معنوی، دنیوی و اخروی را درگرو سعی و تلاش دانسته و فرموده است: «ان لیس للانسان الا ما سعی؛ نیست برای انسان مگر آنچه تلاش کند» (سوره نجم: ۳۹).

۴. نقش کار و کارآفرینی در توسعه اقتصادی

«اهمیت» و «ضرورت» روزافزون «کار» و «کارآفرینی» در تمامی جوامع به‌خصوص جوامع جهان سوم و به‌ویژه کشور افغانستان از حائز اهمیت فراوان برخوردار است که توجه و ترویج آن توسط مراکز علمی، دانشگاهی و نهادهای مرتبط دولتی به‌منظور ایجاد اشتغال، کاهش نرخ بیکاری و رونق اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه، رفاه و پیشرفت جامعه باشد. به همین دلیل است که در سال‌های اخیر، اهمیت رفتار کارآفرینانه و ضرورت وجود کارآفرینان در بخش‌های صنعت، خدمات، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و... به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش است و در عصر حاضر تنها فاکتور جهش اقتصادی و دستیابی به توسعه و رفاه، «کار» و «کارآفرینی» به شمار می‌رود، ولی در اسلام به یک سری عوامل ماورای طبیعی نیز توجه شده است. به باور دینی «ارشد اقتصادی» در اسلام تنها معلول کار و تلاش انسانی و اسباب مادی نبوده و خداوند در قرآن وعده داده است که در پی ایمان و تقوای انسان‌ها، برکات زمین و آسمان را بر آن‌ها خواهد گشود: «چنانچه مردم ایمان آورده و پرهیزکاری پیشه نمایند، درهای برکات از آسمان و زمین گشوده خواهد شد و چون آیات و پیغمبران ما

را تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان مبتلا ساختیم» (اعراف: ۷). در مقابل برخی عوامل دیگر باعث سقوط نعمت‌های الهی خواهد شد: «خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را به آن‌ها چشاند و چون لباس، سراپای وجودشان را پوشاند» (نحل: ۱۱۲). بنابراین، در کنار تلاش، کوشش و تخصص، ایمان، تقوا، سرمایه‌گذاری روی فرهنگ و معنویت جامعه، بازدهی اقتصادی، امنیت و آرامش و در رأس نعمت‌ها و زمینه توسعه در رزق افزایش می‌دهد، چنانکه کفر، انکار آیات الهی، لجابت و پافشاری بر گناه، سبب قهر و عذاب الهی می‌شود و به از دست دادن نعمات و برکات الهی مبتلا خواهند شد (<https://www.wiki.ahlolbait.com>).

۵. ضرورت کار و کارآفرینی در جامعه

همان‌گونه که اشاره شد، ضرورت وجود «کار» و «کارآفرینی» در بخش‌های «صنعت»، «خدمات»، «سازمان‌های دولتی»، «شرکت‌ها» و... به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش است. در چند سال اخیر این موضوع در بسیاری از کشورها از اهمیت بسیار بالا برخوردار بوده و تحقیقات متعدد و ارزشمندی در این زمینه انجام شده است. در سطح جهانی تحقیقات نشان می‌دهد که تعداد دانشگاه‌هایی که حداقل یک درس در زمینه کارآفرینی ارائه می‌کنند از ۱۶ دانشگاه در سال ۱۹۷۰ به ۴۰۰ دانشگاه در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته و حداقل در ۵۰ دانشگاه ۴ درس و یا حتی بیشتر در زمینه «کارآفرینی» و «خلاقیت» ارائه می‌گردد. با این حساب می‌توان گفت در طی ۲۵ سال ۲۵ برابر افزایش را نشان می‌دهد. اکنون که در سال ۲۰۲۱ قرار داریم قطعاً این آمار بیشتر از این خواهد بود (عزیزی، ۱۳۹۵: ۱).

بنابراین؛ جامعه نیازمند پیشرفت، ترقی و توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و اجتماعی است. از این رو، لازم است که برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای «درخشان»، «خلاق» و «کارآفرین» فراهم ساخته و امکانات لازم

را در اختیار آنان قرار دهند تا جوانان جویای کار وارد کار و فعالیت‌های اقتصادی شوند و زمینه را برای دستیابی به «توسعه» و «رفاه» فراهم سازند و به‌طور مستمر از دانش‌آموختگان و رهبران کسب‌وکار جهت اصلاح و کمک به برنامه‌های کارآفرینانه اطلاعات کسب کنند (<https://www.babson.edu>).

۶. نقش کار و کارآفرینی در جامعه

همان‌گونه که اشاره گردید، ضرورت و اهمیت روی‌آوری و توجه ویژه به «کار»، «کارآفرینی» و «علوم دانش‌بنیان»، روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود. از سوی دیگر پرواضح است که «فعالیت‌های کارآفرینانه» تأثیرات بسیار مهمی را در «ایجاد شغل»، «کاهش بیکاری»، «رونق اقتصادی»، «توسعه اقتصادی» و «رفاه جامعه» داشته است. با این حساب می‌توان تأکید کرد که به «کار» و «کارآفرینی» باید به‌عنوان عامل تأثیرگذار در تحولات «علمی»، «اقتصادی»، «سیاسی»، «فرهنگی» و «اجتماعی» جامعه، نگریسته شود و آن را به‌مثابه «یک اصل اساسی» تلقی کرد و با ایجاد روحیه خلاق، نوآور و کارآفرینانه به نقش کارآفرینان در جامعه مهر تأیید زد و آن را به‌منزله مهم‌ترین هدف راهبردی در پیشرفت سریع جامعه در زمینه‌های مختلف دانست. درواقع فعالیت کارآفرینی نیروی مثبتی است در رشد اقتصادی که نقش آن در ایجاد پلی بین نوآوری و بازار، بیش از تأثیر آن در افزایش درآمد ملی از طریق ایجاد شغل است. ازاین‌رو، کارآفرینی به‌عنوان موتور اقتصادی نقش‌های زیر را ایفا می‌کند (Hisrich Robert D, 2005).

بنابراین؛ «خلاقیت و رفتار کارآفرینانه در تمامی ابعاد زندگی روزمره انسان و جوامع مختلف به‌منظور دستیابی به موفقیت‌های بس بزرگ دارای اهمیت بوده و آن را در کلیه شئون زندگی آنان می‌توان پیاده و عملاً مشاهده کرد». در این بخش به تعدادی از نقش کارآفرینان در تحولات گوناگون جامعه اشاره می‌گردد.

۶-۱. نقش کار و کارآفرینی در تحولات علمی

«علم» و «تکنالوژی» با سرعتی باورنکردنی در حال رشدند و هرروز بشر را با شگفتی‌های تازه‌ای روبرو می‌سازند و مانند نور روشنی‌بخش راه زندگی‌شان است، به انسان شناخت

و توانایی چشمگیر بخشیده و بشر را قادر ساخته است تا با «علم» و «تکنالوژی» بتواند جهان را از ذره‌های کوچک درون اتم تا جرم‌های آسمانی و کهکشان‌های ناپیدا تا اندازه‌ای بشناسد. از سوی دیگر می‌دانیم که تحولات و تغییرات اساسی و بنیادینی که در حوزه «علم»، «دانش» و «پیشرفت علمی» صورت گرفته است، دست‌آورد هزاران انسان تلاش‌گر نخبه در طی سالیان گذشته بوده است. اگر امروز جوامع مختلف جهان به پیشرفت «علم» و «دانش» افتخار می‌کنند از برکت تلاش عالمان، اندیشمندان و فرهیختگان نخبه و خلاق در این حوزه است. تمامی دانشمندان نخبه، خلاق و نوآور ارزش علمی خود را به این می‌دانند که هرگز در نقطه‌ای که قرار گرفته‌اند، توقف نکرده‌اند، بلکه از آن نقطه به سمت جلو با تلاش و جدیت به منظور انتقال شرایط جدیدی از این نسل به نسل آینده حرکت نمایند. به همین دلیل است که امروزه دانشگاه‌ها به نسل سوم خود گام گذاشته است. زیرا؛ دانشگاه‌های نسل اول مأموریت‌شان آموزش و نسل دوم مأموریت انجام پژوهش به منظور رفع نیازهای جامعه بوده است. بالاخره نسل سوم دانشگاهی علاوه بر مأموریت آموزش و پژوهش، مهم‌ترین محور و ستون فقرات آن «کارآفرینی» و «ارائه آموزش‌های کارآفرینی» است (عزیزی، ۱۳۹۵: ۱).

بنابراین، «کارآفرینان» در عرصه علم و دانش نیز تحولات عظیمی را در جامعه ایجاد کرده‌اند. پیشرفت‌های علمی که جهان شاهد آن است، مدیون سال‌ها تلاش «اندیشمندان نخبه و خلاق» بوده‌اند که با نوآوری و پیمودن مسیر ترقی روزنه‌های امید را برای نسل‌های آینده هموار ساخته‌اند. بدون شک می‌دانیم که حوزه و قلمرو «علم» و «دانش» بسیار گسترده بوده و هرکدام از آن توسط یک دانشمند نخبه و خلاق گام‌های «ترقی» و «پیشرفت» را طی نموده است. به همین دلیل علومی مانند «علم حدیث»، «علم رجال»، «علم درایه»، «ادبیات»، «علم صرف»، «علم نحو»، «علم معانی و بیان»، «علم بدیع»، «شعر»، «فقه و اصول»، «علم منطق و فلسفه»، «علم کلام»، «عرفان»، «علم اخلاق»، «علم طب»، «داروسازی»، «گیاه‌شناسی»، «علم شیمی»، «فیزیک و متافیزیک»، «علوم ریاضی»، «علم نجوم»، «روان‌شناسی»، «هوا و فضا»، «علوم فنی» و از همه مهم‌تر «علوم اقتصادی»، همه و همه توسط یک دانشمند نخبه و خلاق که بیشتر از آن‌ها دانشمندان اسلامی بوده‌اند، کشف و بسط داده شده است.

۶-۲. نقش کار و کارآفرینی در تحولات اجتماعی

همان‌گونه که اشاره رفت، «کارآفرینی» فرایندی است که در محیط‌ها و مجموعه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد که تغییرات در «سیستم اقتصادی» از طریق نوآوری‌های افرادی که به فرصت‌های اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، رخ می‌دهد که این مسئله باعث «ایجاد ارزش هم برای فرد و هم برای جامعه» خواهد شد. از سوی دیگر می‌دانیم که تصور اولیه عمومی این است که «کارآفرینان» با انگیزه ثروت‌اندوزی اقدام به خلق کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز می‌زنند و در این راستا «سرمایه‌های گوناگون» به وسیله‌ای آنان در هر جامعه‌ای ایجاد می‌شود و یا مورد تهدید قرار می‌گیرد.

یکی از این سرمایه‌هایی که ایجاد یا مورد تهدید قرار می‌گیرد، «سرمایه‌های اجتماعی» است که به وسیله «کارآفرینان» ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر روشن است که «سرمایه‌های اجتماعی» منابع جامعه را نشان می‌دهد که نوعاً نتیجه «کارآفرینی اجتماعی» است. پس می‌توان گفت؛ جامعه همان‌گونه که به «کارآفرینان اقتصادی» نیازمند است، به «کارآفرینان اجتماعی» نیز نیازمند است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت «کارآفرینان اجتماعی» مکمل «کارآفرینان اقتصادی» است.

۶-۲-۱. کارآفرینی اجتماعی

«کارآفرینی اجتماعی» با رویکرد نوآورانه برای تبیین موضوعات مختلف که در جامعه جریان دارد با چارچوبی سروکار دارد که هم «کارآفرینی اقتصادی» و هم «کارآفرینی اجتماعی» را توأمان تحلیل می‌کند که این مطلب حاکی از آن است که «حوزه اقتصاد» و «حوزه اجتماع» از همدیگر جدا نمی‌باشند. به همین دلیل است که به «کارآفرینان اجتماعی» موتورهای محرک نوآوری و ابتکار عمل گفته می‌شوند و زمانی که با ایده‌های نو روبرو می‌شوند، تلاش می‌کنند تا آن را با موفقیت به مرحله عمل برسانند. (مارتین و همکاران، ۲۷: ۲۰۰۷).

بنابراین؛ «کارآفرین اجتماعی» عبارت است از افراد یا سازمان‌های غیر انتفاعی که با برنامه‌ریزی‌های کارآفرینانه به منظور خدمات اجتماعی برای جامعه درآمد و منافع اجتماعی به ارمغان می‌آورد که در تسهیل تغییرات فعالیت‌های بخش عمومی و درک موضوعات خاص اجتماعی با حفظ ارزش‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری آن، نقش اساسی ایفا می‌کنند.

پس «کارآفرینی اجتماعی» به فرایندی اشاره دارد که طی آن «کارآفرینان» به ساخت یا تغییر نهادها در سطح اجتماع محلی، ملی و بین‌المللی می‌پردازند و با بیان راهکارهای مفید، برای کاهش مسائل اجتماعی چون «فقر»، «بی‌سوادی»، «تخریب محیط زیست»، «بزهکاری» و غیره اقدام می‌کنند (<https://isfahanplus.ir>).

۲-۲-۶. نقش کارآفرینان اجتماعی

۱. پاسخ به نیازهای اجتماعی با ساماندهی مجدد سرمایه‌ها و دارایی‌های انسانی و اقتصادی؛
۲. پذیرش مسئولیت اجتماعی ناشی از توسعه گوناگون و سریع در جامعه و ارائه راهکارهای لازم؛
۳. بازنگری فعالیت‌های اقتصادی جامعه و هدایت بخشی از آن به حوزه اجتماع محلی؛
۴. کاهش تنش‌ها و اضطراب‌های اجتماعی با حضور «کارآفرینان اجتماعی» در حوزه‌های مختلف؛
۵. اثرگذاری بر توسعه محلی با «ساماندهی منابع»، «فراهم‌سازی ابزار» و «ارتقا بخشی» به توسعه انسانی؛
۶. تقویت شاخص‌های «سلامت»، «امنیت»، «ایجاد کسب‌وکار» و «توانمندسازی جوانان» از طریق آموزش‌های کارآفرینانه؛
۷. مساعد ساختن شرایط سوادآموزی، اشتغال‌زایی، کاهش جرم و افزایش امنیت؛
۸. بازتوزیع منابع، درآمد و خدمات میان گروه‌های حاشیه‌ای و طردشده مانند زنان، معلولان، سالمندان، مهاجران و...؛
۹. برقراری «توازن اجتماعی» از طریق جلب و جذب سرمایه‌های سرگردان و خیرخواهانه؛
۱۰. برقراری ارتباط میان «کوشش‌های خیرخواهانه» و «فعالیت‌های اجتماعی» از طریق تعریف و پیاده‌سازی مدل‌های جدید کسب‌وکار؛
۱۱. کاهش «اختلاف طبقاتی موجود در جامعه» با شناسایی فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی، تقویت نهادهای اجتماعی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر جامعه.

۶-۳. نقش کارآفرینان در تحولات سیاسی

چنانکه اشاره شد، «کارآفرینی» به زبان ساده به فرایند «کشف فرصت‌های موجود» و «خلق فرصت‌های ناموجود» اشاره دارد و یک مفهوم چندبعدی و بین‌رشته‌ای است. از سوی دیگر گفته شد که «کارآفرینی» انواع بسیار زیادی دارد که «کارآفرینی سیاسی»، یکی از آنها است. «کارآفرین سیاسی» فردی است که به دنبال کشف و خلق فرصت‌ها در عرصه سیاست است که با طرح ایده‌های نو در حوزه «سیاست» و «سیاست‌گذاری» می‌خواهد تحول‌آفرین بوده و راهکارهای جدیدی را بگشاید.

نوآوری، تغییر و تحول در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، همواره یکی از الزامات توسعه و پیشرفت در جوامع و سازمان‌ها بوده است و این ضرورت در عصر حاضر با شدت بیشتری خودنمایی می‌کند. وجود افراد «خلاق»، «نوآور» و «کارآفرین» به‌منظور اتفاق تحول اساسی و بنیادین در سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها لازم و ضروری است که با شجاعت و خلاقیت در اندیشه و عمل اقدام به کارهای تازه و جدیدی نموده و در روند همیشگی وضع موجود، جهش ایجاد کرده و طرح‌های نو دراندازند. افرادی که طلیعه‌دار تحول و تغییر در «سیاست‌ها» و «سیاست‌گذاری‌ها» می‌باشند، مانند دیگر «کارآفرینان» عشق به کار، توانایی نوجویی و نوخواهی، امید به آینده، انگیزه توفیق طلبی، قدرت نوآوری و خلاقیت را دارا می‌باشند. «کارآفرینی سیاسی» ذکاوت و هوش اجتماعی، درک موقعیت‌های فرصت‌آفرین، قدرت پیش‌نگری و آینده‌نگری، شناخت دیگران و راه‌های متقاعد کردن آنان، بهره‌گیری از شبکه‌ها و انسجام دادن آن‌ها، توانایی در تیم‌سازی جامع و در نظر گرفتن منافع ملی از دیگر ویژگی‌های «کارآفرینی سیاسی» محسوب می‌شوند.

بنابراین؛ «کارآفرینی سیاسی» در موقعیت‌های گوناگون از نشانه‌های ضمنی و تلویحی به مشکلات سیاسی جامعه پی برده و آن‌ها را قبل از وقوع و آشکار شدن تشخیص می‌دهد. با این حساب نقش «کارآفرینی سیاسی» در حوزه سیاست برای بسیاری از جوامع برجسته و چشمگیر است. در نتیجه، می‌توان به «نقش کارآفرینان سیاسی در حوزه سیاست و اجتماع» پی برد و با نگاه به تاریخچه و سرگذشت «کارآفرینان سیاسی» دانست که آنان برای رفع یک مشکل مراحل زیرا را در نظر گرفته و نهایتاً به نتیجه‌ای مطلوب دست می‌یابند:

۱. درک مشکل و چالش‌های موجود جامعه با آینده‌نگری؛
۲. انتقال مشکل و چالش به سیاست‌گذاران و ذینفعان خط‌مشی کلان جامعه؛
۳. ایجاد حساسیت در سیاست‌گذاران بالادستی و توجه آنان به عمق مسئله؛
۴. تحریک و تشویق مردم در اهمیت و تعقیب راه‌حل مسئله و مشکلات سیاسی؛
۵. ریشه‌یابی و حل مشکل با خلاقیت و نوآوری و پذیرش ریسک در اتخاذ تصمیم جدید؛
۶. دست‌یابی به خلق راه‌حل‌های بدیع از جمله جلب حمایت‌های مردم و جامعه؛
۷. اتخاذ تصمیم با آگاهی از دیدگاه‌های مخاطبان همسو، سیاست‌گذاران ذینفع و مخالفان؛
۸. تشکیل گروه‌ها و تیم کاری هماهنگ متشکل از موافقان و مخالفان و تعقیب اهداف مورد نظر.

۴-۶. نقش کارآفرینان در تحولات فرهنگی

«کارآفرینی» بنیاد و شالوده توسعه به شمار می‌آید که با ارزش‌آفرینی‌های اقتصادی و معنوی برای افراد، سازمان‌ها و جامعه در سطح خرد، کلان و بین‌الملل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیار زیادی را به بار آورده است. با توجه به این، تمامی رفتارهای انسان از رفتارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گرفته تا رفتارهای فرهنگی، می‌تواند «کارآفرینانه» یا «غیر کارآفرینانه» باشد.

از آنجاکه «کارآفرینی» به معنای «ارزش‌آفرینی» در حوزه اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ گرفته شده است، «کارآفرینی فرهنگی» به گونه فشرده به معنای مدیریت روندها و فرایندهای تولید و عرضه خدمات و کالاهای فرهنگی و هنری است که به گونه‌ای «نوآورانه به احیاء و آفرینش فرهنگی» پردازد. از سوی دیگر می‌توان گفت که «ارزش فرهنگی» همیشه دربرگیرنده «ارزش اقتصادی» نیست، اما «ارزش اقتصادی» می‌تواند دربرگیرنده «ارزش فرهنگی» نیز باشد. باین حال؛ «کارآفرینی فرهنگی پویا» دارای بهره‌های ماندگار است و در درازمدت می‌تواند به عنوان نیروی مدد رسان در چرخه‌ای توسعه فرهنگی کشور نقش برجسته بازی می‌کند و این مهم تجربیات جهانی هم آن را ثابت می‌کند.

بنابراین؛ فرهنگ «کارآفرینی»، «خلاقیت» و «نوآوری» مجموعه از ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که هویت کارآفرین را تشکیل می‌دهد و آنان تلاش می‌کنند تا با نوع نگاه متمایز به پدیده‌های اطراف و شیوه‌های رفتار متفاوت در مواجهه با پدیده‌های پیرامون مانند «پدیده‌های فرهنگی» دست به فعالیت‌های کارآفرینانه زده و محصول و خدمت جدیدی را به جامعه به ارمغان بیاورند. با توجه به این؛ «کارکردهای مهم کارآفرینان فرهنگی» را در حوزه فرهنگ به صورت زیر فهرست نمود.

۱. ایجاد هماهنگی نهادهای فرهنگی و اجزای مختلف نظام اجتماعی جامعه؛
۲. ایجاد ارتباط جمعی، احیاء و دادن هویت فرهنگی خاص به جامعه؛
۳. حفظ و تداوم فرهنگ‌های سنتی و تاریخی با ارزش به منظور بقای جامعه؛
۴. پرهیز از تقلید و فرهنگ ویرانگر بیگانه معارض با ارزش‌ها و فرهنگ‌های جامعه کارآفرینان؛
۵. توجه به اصل تأثیرپذیری متقابل حوزه‌های فرهنگ، اجتماع و عنعنات جامعه کارآفرین با فرهنگ‌های بیرونی مانند اخلاق، مذهب، ارزش‌ها، عقاید اقتصادی و سیاسی؛
۶. توجه به ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، بایدها و نبایدها، اعتقادات و نگرش‌ها متفاوت در جامعه؛
۷. مبارزه با عادت‌های فرهنگی نادرست که از باورهای اجتماعی جامعه تشکیل گردیده است.
۸. اهمیت به فرهنگ‌های ناب و پویایی که برای افراد جامعه غرور، خودباوری و اعتماد به نفس می‌آورد؛
۹. توجه به نقش‌آفرین رسانه‌ها در فرهنگ و استفاده از آن به عنوان ابزار قوی به منظور برقراری و تسهیل ارتباط در شکل‌گیری، ترویج و تقویت و تثبیت فرایند کارآفرینی فرهنگی در جامعه؛
۱۰. توجه و اهمیت دادن به «خانواده» به عنوان کانون فرایند «کارآفرینی» در حوزه فرهنگ فرزندان.

۵-۶. نقش کارآفرینان در تحولات اقتصادی

تحولات و تغییرات سریع و شتابان جامعه بین‌المللی، گذر از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی و همچنین تغییر و تحولات اقتصاد از «اقتصاد ملی» به «اقتصاد جهانی»، نیازمند راهکارهای مختلفی جهت فراهم کردن امکان رشد و توسعه اقتصادی در جامعه است. از سوی دیگر با قاطعیت می‌توان گفت که «کارآفرینی» نقش بسیار کلیدی در «رشد» و «توسعه اقتصادی پایدار» تمامی جوامع دارد. به همین دلیل است که «کارآفرینی» را موتور توسعه اقتصادی دانسته و بدون آن دستیابی به «توسعه اقتصادی» غیرممکن یا بسیار دشوار است. بنابراین، همانگونه اشاره شد «کارآفرینی» یکی از ابزارهای مهم «رشد اقتصادی»، «توسعه»، «صنعت و تکنالوژی»، «کشاورزی»، «مالداری» و «باغداری» به شمار می‌آید. با این حساب نقش «کارآفرینان» در این حوزه‌ها که در زیرمجموعه «اقتصاد» قرار دارند، بسیار برجسته بوده و به همین دلیل در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۵-۶-۱. نقش کارآفرینان در افزایش تولید

تولید که از آن در زبان انگلیسی به پرودکشن، یاد می‌شود، فرایند ترکیب ورودی‌های مختلف از مواد و غیر مواد (نقشه‌ها، دانش ساخت و...) با یکدیگر در جهت ساخت پدیده‌ای نوی برای مصرف است، یکی از اهداف اصلی و اساسی جامعه و سازمان‌های اقتصادی است (Kotler, 2006). «کارآفرینان» با خلق ایده و پدیده نو، می‌توانند در «افزایش اشتغال»، «افزایش صادرات»، «ایجاد رقابت»، «شناخت مزیت‌های نسبی در سطح ملی و بین‌المللی»، «ایجاد انگیزه»، «تقویت مهارت‌ها و خلاقیت‌ها» که به تولید منحصر به فرد و چشم‌گیر ارتباط پیدا می‌کند، در جامعه نقش آفرین باشند. (<http://hasanalinorouzi.ir>). از سوی دیگر گذر بر سیر تاریخی نظریات اقتصادی؛ حاکی از آن است که تولید در سطح انبوه که پیشرفت اقتصاد را در جامعه به دنبال دارد، مبتنی بر «تغییر ایده‌ها» و «خلق پدیده‌های نو» است که توسط «کارآفرینان» انجام می‌شود.

بنابراین؛ «کارآفرینان» با انجام فعالیت‌های «خلاقانه» و «کارآفرینانه» می‌توانند جامعه را در صف پیشروان علم، دانش و نوآوری قرار دهند. به همین دلیل یکی از عوامل اصلی و اساسی «تولید منحصر به فرد» وجود «کارآفرینان»، «نوآوران» و «صاحبان فکر و ایده»

است. بر این اساس؛ نظام‌های اقتصادی که بر پایه «نوآوری»، «ابداع»، «خلق فرصت‌ها» و «ایجاد نیازهای انسانی» که اساس کارآفرینی را تشکیل می‌دهد، استوار باشد، مطلوب‌ترین و مستحکم‌ترین اقتصاد جهانی را به ارمغان می‌آورند و باور دارند که «اقتصاد نوین» تنها در بستر آن شکل می‌گیرد.

۶-۵-۲. نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی

«نوآوری» و «خلاقیت» که ظهور آن بیشتر در حوزه «تکنالوژی» و «اختراعات اقتصادی» صورت می‌گیرد از ویژگی‌های بارز «توسعه‌یافتگی» است. در سطح جهانی، کشوری توسعه‌یافته است که در تمامی بخش‌های اقتصادی آن، تعداد زیادی مدیران و کارکنان نوآور و کارآفرین وجود داشته باشد. هرچند فعالیت «کارآفرینان» با ابداع، نوآوری و خطرپذیری همراه است، ولی ابزار اصلی آنان، سرمایه‌گذاری مستمر در تحقیق و توسعه اقتصادی است. (<https://pardisplan.com>). تجارب بسیاری از کشورها مانند ژاپن، کره جنوبی، مالزی، هند و... آکنده از فعالیت‌های چشمگیر کارآفرینانی بوده‌اند که منجر به توسعه‌یافتگی کشورشان شده و امروز به آن می‌بالند و در سطح جهان افتخار می‌کنند. (هزارجریبی، ۱۳۸۴: ۲۳۷). بنابراین، «خلاقیت» و «نوآوری» که در زمره عوامل و منابع انسانی می‌گنجد، یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی است و منافع گسترده‌ای برای جامعه، منطقه و جهان به همراه دارد. (عمادزاده، ۱۳۷۳: ۲۸). به همین دلیل است که نوآوری، باعث ارتقاء بهره‌وری در مقایسه با نسل‌های پیشین شده و حتی در برخی موارد، سبک زندگی جوامع را تغییر می‌دهد به‌طوری‌که امروزه، «نوآوری» و «دانش» به‌عنوان دو عنصر کلیدی در موفقیت جهانی، به‌ویژه در «حوزه اقتصاد» مطرح می‌باشند.

۶-۵-۳. نقش کارآفرینان در بهبود بهره‌وری نیروی کار

از آنجاکه نیروی کار از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین داده‌های تولید در جامعه یا سازمان محسوب می‌گردد، بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری و کارایی نیروی کار در جهت ارتقای کمی و کیفی تولید لازم و ضروری است. همان‌گونه که با پیشرفت تکنالوژی و استفاده هرچه بیشتر از علوم جدید، شاهد اقتصاد مدرن، پیشرفته و توسعه‌یافته هستیم، «خلاقیت»، «نوآوری» و «کارآفرینی» نیز باعث تحولات و تغییرات اساسی در اقتصاد و توسعه می‌گردد که با

به‌کارگیری روش‌های جدید دستیابی به سطوح بالای از رشد، توسعه و رفاه اقتصادی را برای جامعه فراهم سازد.

بنابراین؛ با به‌کارگیری ایده‌های نو و کارآفرینانه کارآفرینان، «بهره‌وری نیروی کار» و «تولید محصولات» افزایش یافته و سازمان‌های اقتصادی را با تحولات عظیم روبه‌رو می‌سازد. «کارآفرین» ضمن این‌که به‌خوبی می‌تواند زمینه را برای رفاه و آسایش مردم و جامعه فراهم سازند، می‌تواند در امور زیر نیز نقش ایفا نمایند.

۱. افزایش انگیزه در تولید منحصربه‌فرد و چشمگیر؛
۲. افزایش مقدار تولید که به‌عنوان یک هدف در سازمان مطرح است؛
۳. طی کردن مسیر کوتاه برای تولید نو و انبوه؛
۴. کاهش هزینه‌های تولیدی و جلوگیری از هدر رفتن منابع تولید؛
۵. استفاده مناسب از فعالیت‌های تحقیقی، توسعه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات در صنایع.

۴-۵-۶. نقش کارآفرینان در صنعت و تکنالوژی

امروزه ساختار اقتصادی دنیا با گذشته به‌طور اساسی تفاوت دارد. به همین دلیل است که توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه «نوآوری»، «خلاقیت» و «استفاده از دانش» استوار است. این اقتصاد را اقتصاد مبتنی بر دانش یا اقتصاد دانش‌محور می‌گویند (<http://region10scholar.blogfa.com>). با توجه به این؛ «توسعه اقتصاد» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی جوامع بشری مطرح است. این مهم نیازمند ابزاری مانند «تکنالوژی» و «صنعت» است که با ساماندهی در جهت رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند منشأ اثر باشد. از سوی دیگر «نرخ توسعه تکنالوژی» با روند رو به رشد خود توانسته موجب تغییراتی اساسی در نهاده‌ها و ستاده‌های انسانی شود. از این‌رو، می‌توان اذعان کرد: «پیشرفت و رفاه»، «رونق اقتصادی»، «گسترش صنایع»، «خلق ثروت» و «ایجاد مزیت رقابتی» می‌تواند از نتایج به‌کارگیری و توسعه تکنالوژی توسط «کارآفرینان»، «خلاق» و «نوآوران» است.

بنابراین، «نقش کارآفرینی» در «صنعت»، «تکنالوژی» و «استفاده درست و بهینه از آن» در اقتصاد بسیار اساسی و بنیادین بوده و کارآفرینی در «صنعت» و «تکنالوژی» در توسعه،

رشد و رفاه یک کشور می‌تواند به صورت چشم‌گیر تأثیرگذار باشد (ملاحسینی، ۱۳۹۶: ۵۸). در نتیجه، ساختار پویا، مدرن و توانمند نیازمند مهندسی خلاقیت و نوآوری در «صنعت» و «تکنالوژی» است؛ به طوری که می‌توان با رویکرد منطقی و نظام‌مند به راهکارهای مناسب و کارآمد جهت حل مسائل فناورانه و صنعت مدرن دست یافت و با ایجاد بازار کار برای اشتغال پویا، کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب موجب توسعه پایدار شده و همین امر سبب کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود.

۵-۵-۶. نقش کارآفرینان در اقتصاد کشاورزی

هرچند «اقتصاد کشاورزی» شاخه تخصصی و مجزایی از علم اقتصاد است که با حوزه علمی و کاری گسترده‌ای که به لحاظ کمی و گستردگی در همه کشورها وجود دارد، زمینه را برای فعالیت‌های مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی و توسعه فراهم می‌سازد. به این صورت اهمیت این پدیده در توسعه اقتصادی روشن می‌شود و با تحولات روزافزون علم و فن‌آوری در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های بشری و همچنین نیازهای رو به تزاید انسان، همگان و به خصوص متصدیان مسائل مهم اقتصادی را بر آن می‌دارد تا همگام با این تحولات و نیازها، گام‌های مؤثر برداشته و پاسخگوی آن‌ها باشند. «خلاقیت» و «کارآفرینی» در «بخش کشاورزی»، زمینه‌ساز تأمین امنیت غذایی، کاهش فقر، تحقق عدالت اجتماعی، توسعه پایدار اقتصادی و کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. (همتی، وبگاه تعادل، ۱۳۹۵/۳/۲۷). کارآفرینان کشاورزی با شناسایی و ارزیابی فرصت‌ها و مدیریت صحیح آن‌ها، بهره‌گیری از سرمایه‌های راکد، استفاده از منابع با حداکثر کارایی، تسهیل توسعه روستایی و منطقه‌ای و گسترش به رشد صنایع تبدیلی به پیش برد توسعه پایدار کشاورزی کمک می‌کنند.

بنابراین؛ «کارآفرینی»، «خلاقیت» و «نوآوری» در تمامی عرصه‌ها نقش اساسی و بنیادی داشته و در هر موضوع می‌تواند به عنوان «کلید حل مشکلات» قلمداد گردد. به همین دلیل این بخش نسبت به سایر موضوعات از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و اصلاً «کارآفرین» در مرحله اول در اقتصاد به کار می‌رود. در بخش پایانی این قسمت به تعدادی از «تأثیرات» و نقش «کارآفرینان» در تحولات اقتصادی به صورت زیر اشاره می‌گردد.

۱. افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از طریق سرمایه‌گذاری بر نیروهای انسانی کارآمد؛
۲. افزایش صادرات و کاهش واردات و ارزآوری از این درک؛
۳. ایجاد رقابت و تضمین کیفیت کالا و محصول بر پایه‌های شایستگی و مهارت؛
۴. شناخت مزیت‌های نسبی در سطح ملی و بین‌المللی؛
۵. ایجاد انگیزه، تقویت مهارت‌ها و خلاقیت‌ها در فعالیتهای اقتصادی سودآور؛
۶. دستیابی به راه‌حل‌های مناسب و کارآفرینانه زمانی که اقتصاد در بحران شکننده قرار داشته باشد؛
۷. دستیابی به راه‌حل کارآفرینانه، زمانی که اقتصاد با شرایط سخت و شکننده رکود همراه باشد؛
۸. بازنگری و تأکید در سازمان‌دهی و مدیریت منابع انسانی در کنار منابع مادی؛
۹. ایجاد تحول در سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه؛
۱۰. جابه‌جایی شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های یک بنگاه اقتصادی دیروز به نوآوری، ابداع، خلق پدیده و محصولات جدید و دارایی‌های نرم‌افزاری یک بنگاه امروز؛
۱۱. توجه به رابطه مستقیم سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و تولید علم با توان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه؛
۱۲. حمایت از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، محققان و اساتید به‌عنوان رکن اساسی در توسعه همه‌جانبه؛
۱۳. توجه ویژه به فعالیت‌های شرکت‌های کوچک و زودبازده و فراهم‌سازی بستر مناسب آن از سوی دولت و حکومت؛
۱۴. تأکید بر توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه به‌منظور خلق ثروت، ایجاد اشتغال، آسایش و رفاه اجتماعی، برآورده شدن نیازهای درونی افراد، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی؛
۱۵. تأکید بر صنعتی شدن تولید و کشاورزی به‌منظور بهبود تولید و تأمین نیازهای جامعه؛
۱۶. تأکید بر ارتقای ظرفیت کارکنان به‌منظور بهره‌وری در نیروی کار و عوامل انسانی؛

۱۷. افزایش تولیدات کشاورزی از طریق کارآفرینی و صنعتی کردن کشاورزی.

بنابراین؛ «اقتصاد بخش کشاورزی» یکی از موضوعات تأثیرگذار اقتصاد و توسعه به شمار می‌آید. این بخش می‌تواند به مثابه خود «اقتصاد» از جایگاه بنیادین و حیاتی در حیات جوامع برخوردار باشد و به همان اندازه در این زمینه توجه جدی صورت گیرد. در نتیجه؛ ساختار پویا، مدرن و توانمند نیازمند مهندسی خلاقیت و نوآوری در «صنعت» و «تکنالوژی» است؛ به طوری که می‌توان با رویکرد منطقی و نظام‌مند به راهکارهای مناسب و کارآمد جهت حل مسائل فناورانه و صنعت مدرن کشاورزی دست یافت و با ایجاد بازار کار برای اشتغال پویا، کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب کشاورزی موجب توسعه پایدار کشاورزی شود و باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه گردد. (همان).

جمع‌بندی

در این بخش با شناخت از ماهیت فرهنگ «کار» و «کارآفرینی» تعامل بین آن‌ها بیان گردید. در وهله اول می‌توان گفت: تمامی رفتارها، کنش‌ها و ایده‌ها از «فرهنگ» سرچشمه می‌گیرد و موضوعات و مقولات دیگر به عنوان خرده‌فرهنگ و زیرمجموعه آن به شمار می‌آید. ولی در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که میان «کار»، «کارآفرینی» و «فرهنگ» روابط چند سویه وجود دارد که هرچند این روابط در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری با شدت و ضعف مواجه است و از سوی دیگر ممکن است در برخی از مناطق، محل و یک کشور این تأثیرپذیری و نوع ارتباط با همدیگر متفاوت و متمایز باشد. ولی می‌توان با قاطعیت اذعان کرد که «کار» و «کارآفرینی» مهم‌ترین مسئله اجتماعی و فرآیندی انسانی است که با دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند محکم و ناگسستنی دارد. به این معنا هر زمانی که «کار» و «کارآفرینی» به عنوان یک روش برای زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته شود، ارکان فرهنگ، رفاه و توسعه اقتصادی در آن جامعه در مقایسه با سایر جوامع سریع‌تر رشد کرده و بستری مناسب را برای بسط عدالت در جامعه فراهم می‌سازد. در نهایت یک مقایسه بسیار اجمالی بین دنیای غرب و دنیای اسلامی در ایجاد و استحکام «کار» و «کارآفرینی» صورت گرفت که متأسفانه جامعه اسلامی در عمل نسبت به جوامع غربی حرفی برای گفتن



ندارد، ولی در تئوری و سفارش‌های دین در این زمینه تأکیدات بسیار فراوان گردیده که می‌توان با میدان‌دهی به جوان و هزینه کردن به‌منظور تحقق ایده‌های «کارآفرینان»، شاهد حضور قوی و مقتدر «جوانان کارآفرین اسلامی» بود. همچنین کار و کارآفرینی می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار نقش‌آفرین باشد. بدون تردید تحولات و تغییرات در حوزه‌های فوق منجر به «توسعه اقتصادی» شده و رفاه و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

منابع

قرآن کریم.

منابع فارسی

۱. احمدی، سید علی اکبر و حسن درویش، (۱۳۸۹)، مبانی کارآفرینی، تهران: قانون، دوم.
۲. ایرانی، عارف، (۱۳۹۶)، تفاوت جوهری اقتصاد اسلامی با اقتصاد غربی، قم: پژوه و بسته به پژوهگاه باقرالعلوم.
۳. پیمان پور، رجب، (۱۳۹۵)، کنفرانس بین المللی کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، وبگاه سولیکا.
۴. تودارو، مایکل، (۱۳۷۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۵. جبل عاملی، حمیده، تأثیر آموزه های دینی بر کارآفرینی و کسب و کار، ۱۳۸۸/۲/۲۳، سایت راسخون.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، الشیعة، قم: موسسه آل البيت، چاپ دوم.
۷. دیوبند، مینا، (۱۴۰۱)، نقش فرهنگ در توسعه کارآفرینی، پایگاه خبری و تحلیلی نقش.
۸. شاه حسینی، علی، (۱۳۸۳)، کارآفرینی، تهران: انتشارات آبیژ.
۹. عزیزی، محمد و اکرم عزیزی، (۱۳۹۵)، تجربه های موفق دانشگاه های برتر در آموزش کارآفرینی با اتکا به منابع صنعت، نشریه صنعت و دانشگاه، سال نهم، شماره های ۱۳ و ۱۲.
۱۰. عمادزاده، مصطفی و مسعود هاشمیان، (۱۳۷۳)، نقش نیروی تحصیل کرده در افزایش تولید و بهره وری، دانش مدیریت، ۲۴.
۱۱. عیسوی، محمود، (۱۳۹۷)، مقایسه مبانی نظری و اهداف توسعه اقتصادی در اسلام و غرب، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: موسسه امام خمینی (ع).
۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ذیل آیات ۷ و ۱۱۲ از سوره اعراف و نحل، دانشنامه اسلامی ویکی اهل بیت.

۱۳. کوراتکر، هاجتس، ریچاردام، (۱۳۸۹)، نگرش معاصر بر کارآفرینی، ترجمه ابراهیم محرابی و محسن تبرایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۴. مارتین، روگر آل. و سالی اسبورگ، (۲۰۰۷)، کارآفرینی اجتماعی، مترجم، نبی الله حسینی، مجله خلاقیت اجتماعی استنفورد، استنفورد.
۱۵. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ ۶ جلدی معین، تهران: امیرکبیر.
۱۶. ملاحسینی، علی و همکاران، (۱۳۹۶)، مدیریت بهره‌وری، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۱۷. مهدوی، محمد اسحاق، (۱۳۹۰)، شاخص‌های توسعه اقتصادی با رویکرد اسلامی با نگاهی به افغانستان، پایان‌نامه، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. هاشمی، نفیسه، سایت مرکز آموزش مدیریت کاربردی ایران، گروه آموزشی ارشیا دکامی، ۱۴۰۰/۵/۱۷.
۱۹. هزارجریبی، جعفر، (۱۳۸۴)، بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی، نشریه: پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۳.
۲۰. همتی، مریم، امنیت غذایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی در گرو توسعه کشاورزی، وبگاه تعادل، ۱۳۹۵/۳/۲۷.
۲۱. هیسریچ، رابرت دی، مایکل پی، پیترز، (۱۳۷۹)، کارآفرینی، ترجمه دکتر سید علیرضا فیض بخش و محمدرضا تقی یاری، تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

منابع انگلیس

22. Tylor, Edward. (1871). Primitive Culture. Vol 1. New York: J.P. Putnam's Son.
23. Holcombe, Randall G. 15 great Austrian economists, LUWIG VON MISES institute, (1999), pp28.
24. Hisrich Robert D., Peters Michael P. & Shepherd Dean A. (2005). Entrepreneurship. 6th edition, Boston, MC Graw Hill.
25. "Kotler", P., Armstrong, G., Brown, L., and Adam, S. (2006) Marketing, 7th Ed. Pearson Education Australia/Prentice Hall.

پایگاه‌های اینترنتی

26. <http://pajoohe.ir>.
27. <https://wiki.ahlolbait.com>.
28. <https://pardisplan.com>.
29. <https://rimag.ricest.ac.ir>.
30. <https://www.babson.edu>.
31. <http://hasanalinorouzi.ir>.
32. <http://region10scholar.blogfa.com>.
33. <http://www.taadolnewspaper.ir>.
34. <http://cdm.blogfa.com>.
35. <https://www.iran-academy.org>.
36. <https://fekreno.org>.
37. <https://razservat.ir>.
38. <https://civilica.com>.
39. <https://fa.wikifeqh.ir>.
40. <https://wiki.ahlolbait.com>.
41. <https://www.babson.edu>.
42. <https://isfahanplus.ir>.